

خط امام سیدمهدیمیر تاج‌الدینی

قیام‌الله، نه حزب خمینی

امام خمینی(ره) کار خودش در مبارزه با رژیم سلطنتی پهلوی را با یک روش ساده آغاز کرد: «نه شرقی، نه غربی». همین روش ساده، ارتباطی عمیق و وثیق با ارتکاز مردم برقرار ساخت و اوضاع سیاسی ایران را برای حاکمان وقت پیچیده کرد، چرا که به تعبیر فوکو «این قانون تاریخ است: هر چه خواست ملتی ساده‌تر باشد، کار سیاستمداران دشوارتر می‌شود.»

همین سادگی نیز تصویری متناقض‌نما را از پیشوای امام و مبارزات مردم به جهان مخایره می‌کرد. آنجا که در بحبوحه کشتارهای شاه، درست در همان روزهایی که برخی از مبارزان به تاسی از جریان‌های چپ جهانی به سمت تشکیل سازمان‌هایی برای مقابله مسلحانه با رژیم حرت می‌کردند، بر خلاف همه تئوری‌های قدرت و همه‌نظریه‌های سیاسی که فاز تسلیحاتی را عنصری مهم در سقوط یک حکومت قلمداد می‌کردند، امام خمینی(ره) مبارزه مسلحانه را از دست‌ور کار انقلابی‌ها خارج کرد. این تدبیر امام در اتخاذ روش غیرمسلحانه بسیاری را به این نتیجه رساند که حتما امام خمینی(ره) راهکارهای سیاسی را برای حل مسئله ایران مدنظر دارد. لذا در روزهای واپسین که رژیم پهلوی به حالت احتضار در آمده بود، راهکارهای سازشکارانه متعددی به ملت ایران پیشنهاد می‌شد تا با حفظ سلطنت، دولتی مبتنی بر یک قانون اساسی جدیداً آغاز به‌کار نماید. این افراد در سو‌دای یک ائتلاف سیاسی بزرگ با محوریت برگ‌زاری انتخابات بودند و در هرگز طرح نفی مطلق سلطنت را دنبال نمی‌کردند. اما امام خمینی(ره) از نوفل‌لوشاتو صراحتا با هر گونه پیشنهاد سازشکارانه مخالفت کرد و خواستار نفی مطلق سلطنت شد.

این آغاز یک سیاست ضدسیاسی بود. امام هم به روش‌های شرقی در مبارزه مسلحانه و هم به روش‌های غربی در سازشکاری سیاسی به‌منظور گرفتن امتیاز بیشتر «نه» گفت و قصد داشت با اتکا به نیروی مردم و خارج از چار چوب احزاب سیاسی به کار سلطنت پایان دهد. اما چه تئوری و اندیشه‌های امام را در عین عدم تبعیت از ابزارهای مبارزاتی جهان و عدم به‌کارگیری شیوه‌های دستپایی به قدرت، به این روی‌وای بزرگ وامی‌داشت؟ ما‌خذ چنین تصمیم‌های مهم چه بود؟

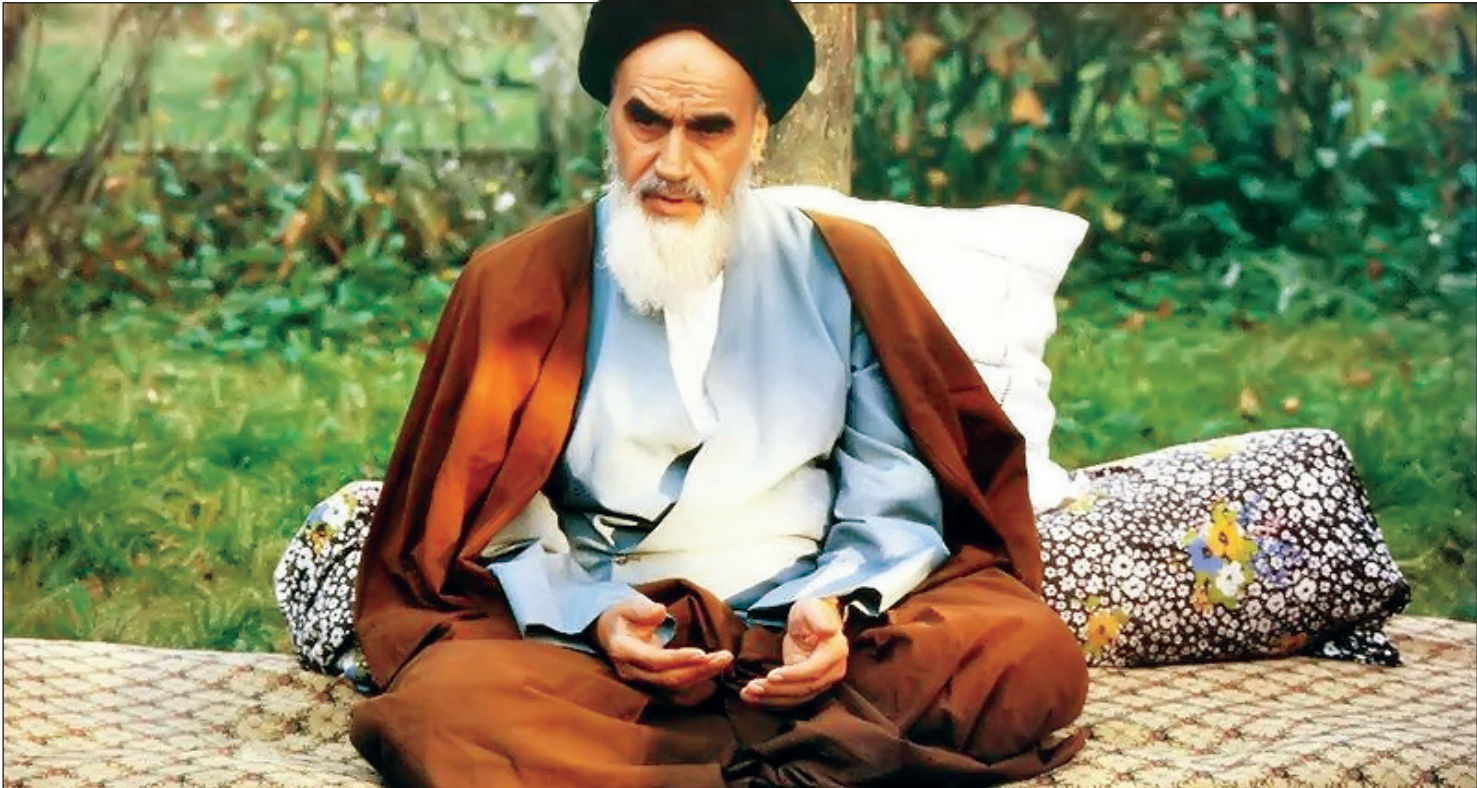


در پاسخ به این سؤال و فهم هرچه بهتر اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «زیربنای مکتب امام چه در دوران مبارزه و چه در دوران انقلاب «قیام‌الله» بود و این زیربنا مبنای قرآنی‌داشت.» در واقع اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) به‌گونه‌ای بود که در زمینه نفی سیاست حاکم و نظم مستقر، خود را مستتغی از شرق و مبارزاتی را کشف و تعیین می‌کرد. از این‌رو نمی‌توان امام خمینی(ره) را صرفاً یک سیاستمدار مبارزی دانست که به حسب اقتضانات، دیندار هم بوده است. بلکه درباره امام خمینی(ره) باید گفت اصل مبارزه و ششوبه مبارزه و هدف مبارزه و نوع سیاست‌ورزی امام به‌طور تام برگرفته از متن دین و قرآن است، و گرنه پیشنهادهایی که امام خمینی(ره) در دو شکل «مسلمحانه» و «ائتلاف سیاسی» به‌منظور امتیازخواهی بیشتر مطرح می‌شد، از سمت سیاستمدارانی بود که از قضا دیندار هم بودند. تفاوت اندیشه سیاسی امام با سایرین در همین مسئله نهفته است که امام خمینی(ره) موضوع انقلاب را قیام‌الله تلقی می‌کرد و این اقتباس قرآنی هم در حد یک شعار توخالی باقی‌نماند، بلکه از این مفهوم عظیم قرآنی یک ایده‌هدایتگر مرکزی ساخته و پرداخته شد که به تمامی کنش‌های سیاسی مبارزان پیرو خط امام جهت‌دهی می‌کرد.

در نتیجه به‌رغم نبود یک حزب سیاسی به نام حزب خمینی، شاهد آمدن دین به میدان سیاست در کلان‌ترین سطح خود هستیم. شاید اگر امام خمینی(ره) در راستای ورود دین به دنیای سیاست، به تلاش‌های سیاسی و ایجاد حزب روی می‌آورد، نهایت این تلاش‌ها به ورود دینداران به سیاست منجر می‌شد نه ورود دین به دنیای مردم. اما با حرکت امام که می‌توان آن را با کلیدواژه «قیام‌الله» از سایر تحركات مبارزاتی در اقصی نقاط عالم متمایز کرد، به وضوح می‌بینیم مردم به تبعیت از امام خمینی(ره)، دین را به دنیایی‌ترین عرصه زندگی خویش وارد ساختند تا جایی‌که برخی اندیشمندان سیاسی با مشاهده وضعیت مردم در روزهای پایانی رژیم سلطنت پهلوی صراحتا اعتراف می‌کنند: درنظر ایرانیان هیچ حرفی خنده‌آورتر، دلپهانه‌تر، خشک‌تر، غربی‌تر از این نیست: «دین تریاک توده‌هاست.»

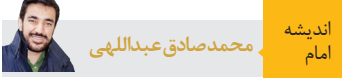
می‌شود این موضوع را ادامه داد و گفت قیام‌الله حتی فراتر از مفهومی مذهبی، معنایی فطری است. چرا که مطابق برخی گزارش‌های تاریخی بعضی از کارگران اعتصاب‌کننده گفته بودند: «ها مذهبی نیستیم» و در پاسخ به این سؤال صاحب‌کهنه‌کننده که «پس به قدرسی اعتقاد دارید؟» به کدامیک از احزاب سیاسی معتقدید؟» گفته بودند «به هیچ کس و به هیچ حزبی جز خمینی. فقط به‌او اعتماد داریم.»(ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟ص۵۸) رمز و راز این هم‌راهی حداکثری را باید در همین «قیام‌الله» جست‌وجو کرد. مردم دریافته بودند که پای یک زدوبند سیاسی برای امتیازخواهی یا حتی یک ائتلاف بزرگ به‌منظور اصلاحات رویایی در میان نیست. آنها می‌دانستند نتیجه این خون‌دل خورند و از جان گذشتن، به قدرت رسیدن چهار نفر دیندار در ذیل سلطنت و حکومت موجود نیست، بلکه پای موضوعی اعتقادی در میان است که در عمیق‌ترین لایه‌های درونی آنها نهان‌پنده شده. از این‌رو شهید صدر در تحلیل همین وضعیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران گفته بود: اکنون رؤیای تمام‌انبیای الهی تعبیر شد.

اندیته



اسلام دینی، ترقی‌خواه است

تکنولوژی و ترقی‌خواهی از منظر حضرت امام خمینی^{ره}



نگاه حضرت امام خمینی(ره) به پیشرفت و تکنولوژی از جمله نگاه‌های مترقیانه و پویا در حوزه اندیشه اسلامی است که به جد موجب تحول در کشور شد و تکنولوژی را به خدمت اهداف ولّای ملت مسلمان ایران آورد. هر چند که برای فهم دقیق مبانی گفتمان امام خمینی(ره) در حوزه تکنولوژی، نیازمند وا‌کاوی دقیق مفاهیمی همچون توسعه و تمدن غرب است اما در ادامه تلاش شده با بهره‌مندی از متن بیانات حضرت امام(ره) تگاهی کلی بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی را به این حوزه ترسیم کنیم.

تکنولوژی و پیشرفت، مفاهیمی مهم در دوره مدرن است که به ادعان بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران، آینده جهان را در دست دارند. از این‌رو پرداختن به این مهم برای آینده تمدنی جهان مسئله‌ای مهم و موردتوجه بسیاری از صاحبان اندیشه و روشنفکران بوده است. محمد رضا پهلوی و عناصر او نیز از همین راه‌مواره تلاش داشتند تا از طریق محکوم کردن حضرت امام خمینی(ره) به مخالفت با پیشرفت و تمدن، چهره‌ایشان را زنده‌رطبقه فرانسوی وروشنفکران ایرانی تخریب کنند و آینده کشور را در خطر جلوه دهند اما برخالف تلاش‌ها برای تحریف امام(ره)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران بارها در گفته‌های خود به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر اهمیت تکنولوژی و ترقی‌خواهی در گفتمان اسلام ناب و اهمیت آن در انقلاب ایران سخن گفته‌اند و پاسخ پهلوی را نیز داده‌اند. برای مثال ایشان در نخستین مصاحبه با لوسین ژرژ، خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند، در پاسخ به سؤال «شاه شما را متهم می‌کند که مخالف تمدن و گذشته‌گرا هستید، جواب شما به این مطلب چیست؟» توضیح می‌دهند: «این خود شاه است که پیوسته با مخالفت با تمدن است و گذشته‌گراست. مدت ۱۵ سال است که من در اعلامیه‌هایم خطاب به مردم ایران مصرا خواستار رشد و توسعه اقتصادی واجتماعی مملکت‌م بوده‌ام. اما شاه‌سیاست‌امپریالیست‌ها را اجرا

می‌کنند.» حضرت امام(ره) حتی در وصیتنامه خود آورده‌اند: «دعای آنکه اسلام با نیاوردها مخالف است – همان سان که محمدرضا پهلوی مخلوع می‌گفت که اینان می‌خواهند با چهارپایان در این عصر سفر کنند –یک اتهام لپه‌لپه نیست، زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآورها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ‌گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است.»

اساساً حضرت امام(ره) اسلام را یک دین ترقی‌خواه(۱) و نهضت اسلامی را نهضتی متمدن و پیشرفته می‌دانستند(۲) و در همین راستا می‌فرمودند: «اسلام با همه ترقیات موافق است، با همه پیشرفت‌ها موافق است.اسلام برای پیشرفت آمده، برای ترقی آمده.»(۳) نظر بنیانگذار انقلاب اسلامی تنها به عدم مخالفت نبود بلکه بالاتر از آن حکومت اسلامی را مساوی با پیشرفت‌گرایی و تمدن و ترقی می‌دانستند(۴) و اسلام را از پایه‌گذاران تمدن بزرگ در جهان معرفی می‌کردند و می‌فرمودند: «اسلام پیشرفته‌ترین حکومت را دارد و به‌هیچ‌وجه حکومت اسلام با تمدن مخالفت نداشته و ندارد و اسلام، خود از پایه‌گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است.» امام(ره) در تشریح نظر خود بیان می‌داشتند: «اسلامی که بیشترین تأکید خود را بر اندیشه و فکر قرار داده است و انسان را به بسازداری از همه خرافات و اسارت قدرت‌های ارتجاعی و ضدانسانی دعوت می‌کند، چگونه ممکن است با تمدن و پیشرفت و نوآوری‌های مفید بشر که حاصل تجربه‌های اوست ساز‌گار نباشد؟»(۵)

جمع میان پیشرفت و تکنولوژی با قوانین اسلامی در نظر امام^{ره}

نگاهی که آیت‌الله خمینی(ره) به مسئله تکنولوژی و پیشرفت داشتند، موجب تسوق یافتن ملت ایران به سمت تکنولوژی و پیشرفت و حرکتی به سمت خودکفایی در علم، تمدن و تکنولوژی شد. بزرگ‌ترین تأثیری را که حضرت امام(ره) در این حوزه از خود برجای گذاشتند، می‌توان شکستن تابوی خودحقیرپنداری و القای خودباوری دانست. گویا

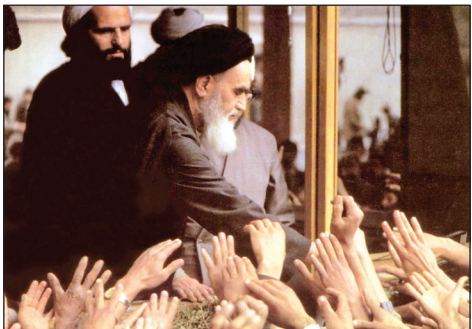
بعضی روشنفکران حرفه‌ای می‌گویند که آزادی

بعضی روشنفکران حرفه‌ای می‌گویند که آزادی به مسلمانان جهان آموخت که علم، تمدن و تکنولوژی محصور در قطب‌های شرق و غرب عالم نیست. ایشان می‌فرمایند: «از جمله مسائلی که به مسلمانان و مستضعفان جهان اجازه هیچ‌گونه فعالیت برای خروج از قید و بند استعمارگران را نمی‌دهد و آنان را به حال رگود و عقب‌افتادگی نگاه می‌دارد، تبلیغات همه‌جانبه‌ای است که غرب‌زدگان و شرق‌زدگان یا به امر ابر قدرت‌ها یا با کواتنظری خود در سراسر کشورهای اسلامی و استضعافی به راه انداخته‌اند و می‌انازند و آن است که علم و تمدن و پیشرفت مختص به دو جناح امپریالیزم و کمونیسم است. به بیان دیگر ما از خود هیچ نداریم و باید همه‌چیز را از ابرقدرت‌های غرب یا شرق بگیریم علم را، تمدن را، قانون را و پیشرفت را.»(۶)

یکی دیگر از نقساط اثر گذاری حضرت امام(ره) را می‌توان جمع میان پیشرفت و تکنولوژی با اعتقادات اسلامی ذکر کرد. ایشان تأکید داشتند که لایمه رسیدن به پیشرفت کنار گذاشتن اعتقادات اسلامی نیست بلکه همانطور که کشورهایی با قوانین و نظامات اجتماعی متضاد توانسته‌اند در پیشرفت صنعتی و علمی و تسخیر فضا باهم رقابت کنند و پیش بروند، ملت مسلمان ایران نیز قادر خواهند بود بدین دستاوردها نایل شوند.ایشان بر این اساس نهبند زده و انگارهای مطرح را شکسته و بیان می‌دارند: «وقتی کشورهای استعمارگر با پیشرفت علمی و صنعتی، یا به‌حساب استعمار و غارت ملل آسیا و آفریقا، ثروت و تجملاتی فراهم آوردند، اینها خود را باختمند، فکر کردند راه پیشرفت صنعتی این است که قوانین و عقاید خود را کنار بگذارند! همین‌که آنها مثلاً به کر مراه رفتند، اینها خیال می‌کنند باید قوانین خود را کنار بگذارند!»(۷)

قید محدودکننده پیشرفت و تکنولوژی در نگاه امام^{ره}

اما آنچه از نظر امام خمینی(ره) محدودکننده تکنولوژی و جلوه‌های پیشرفت است، فساد و انحراف است.ایشان در وصیت‌نامه خود می‌فرمایند: «گر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که



شده، این یک چیز بی نظیری است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۴/۱/۱۰)

شاید به همین دلیل بود که امام خمینی(ره) فرمودند: «حفظ جمهوری اسلامی، از حفظ فکر، فو لو امام عصر باشد، اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه امام عصر هم خودش را فادامی کند برای اسلام؛ همه‌انبیاء از صدر عالم تا حالا که آمدند، برای کلمه حق و برای دین خدا، خودشان را فدا کردند» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۶۵) و مقام معظم رهبری نیز فرمودند: «انقلاب اسلامی یک ضرورت بود برای اسلام؛ یک نیاز بود برای مسلمین؛ سنت الهی بود برای حفظ دین و احکام الهی.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۷/۱/۱۳) شهید صدر نیز با شنیدن خبر نهضت امام خمینی(ره) فرمود: «لایوم تحققت آمال الانبیاء؛ امروز تمام آرزوهای انبیا، برآورده شد.» شهید نواب صفوی هم می‌گفت: «در حکومت اسلامی، من فخر می‌کنم از فکر خجابتش باشم.» در پایان امام فرمودند: «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه که، نه یک کلمه زیاد.» (جمهوری یعنی تکیه به قوت مردم، قدرت مردم، اراده مردم، ایمان مردم، ابتکارات مردم؛ یعنی نیروی انسانی، همان چیزی که مهم‌ترین عامل پیشرفت است و «اسلامی» یعنی برای خدا، در راه خدا، متوجه به رضای الهی، در چهار چوب ارزش‌های الهی و اسلامی. این معنای جمهوری اسلامی است؛ این حرف نوبی بود در دنیا.» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۶/۹/۱)

چهارشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۱

شماره ۸۵۱۴

گفتمان اسلام

چهار «اَمَن» در شخصیت امام خمینی^{ره} به روایت شهید مطهری

شهید آیت‌الله مرتضی مطهری(ره)، من که قریب دوازده سال در خدمت این مرد بزرگ تحصیل کرده‌ام، باز وقتی که در سفر اخیر به پاریس به ملاقات و زیارت ایشان رفتم، چیزهایی از روحیه او درک کردم که نه فقط بر حیرت من، بلکه بر ایمانم نیز اضافه کرد. وقتی برگشتم، دوستانم پرسیدند چه دیدی؟ گفتم: چهار تا «اَمَن» دیدم؛ ۱) **اَمَن بَهْدَفْه**: به هدفش ایمان دارد. دنیا اگر جمع بشود نمی‌تواند او را از هدفش منصرف کند. ۲) **اَمَن بِنَسِیْلَه**: به راهی که انتخاب کرده ایمان دارد. امکان ندارد بتوان او را از این راه منصرف کرد. ششبه همان ایمانی که پیغمبر به هدفش و به راهش داشت. ۳) **اَمَن بَقَوْلَه**: در میان همه رفقا و دوستانی که سراغ دارم احدی مثل ایشان به روحیه مردم ایران ایمان ندارد. به ایشان نصیحت می‌کنند که آقا کما یوشا تر، مردم دارند سرد می‌شوند، مردم دارند از پا درمی‌ی‌بند. می‌گویند: نه، مردم اینچور نیستند که شما می‌گویید، من مردم را بهتر می‌شناسم؛ و ما می‌بینیم که روزبه‌روز صحت سخن ایشان بیشتر آشکار می‌شود. ۴) و بالاخره بالاتر از همه **اَمَن بَوَبْئَه**: در جلسه خصوصی ایشان به من می‌گفت: «فلائی! این ما نیستیم که چنین می‌کنیم، من دست خدا را به وضوح حس می‌کنم». آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می‌کند و در راه خدا قدم برمی‌دارد خدا هم به مصداق «لَنْ نَنْسُوْاَاللهَ نَبْرًاکُمْ» مطرح می‌شود، قرآن می‌گوید آنها جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و به او اعتماد و تکیه کردند، خدا هم بر ایمانشان افزود؛ آنها برای خدا قیام کردند و خدا هم دل‌های آنها را محکم کرد. اینچنین هدایت و تأییدی را من به وضوح در این مرد می‌بینم. او برای خدا قیام کرده و خدای متعال هم قلبی قوی به او عنایت کرده است که اصلاً تزلزل و ترس در آن راه ندارد.

منبع: آینده انقلاب اسلامی ایران، صص ۱۲۱الی ۲۳

اندیشه نفیس

اسلام چند بعدی

از ویژگی‌های خط امام^{ره}



آنچه در ادامه می‌خوانید بخشی از بیانات آیت‌الله شهید بهشتی است که به شرح ویژگی منحصربه‌فردی از حضرت امام خمینی(ره)

می‌پردازند. شهید بهشتی این ویژگی

منحصربه‌فرد را چند وجهی بودن می‌دانند:

نمازگزارانی که جهاد را فراموش کرده‌اند، اسلام‌شان یک بعدی است. مبارزان جان بر کفی که نماز را کوچک شمردن، اسلام‌شان یک بعدی است. انفاق، از مال گذشتن؛ جهاد، از جان گذشتن؛ نماز و یاد خدا را در وجدان خود زنده نگه‌داشتن، همه با هم می‌شود اسلام، اسلام چند بعدی. از ویژگی‌های خط امام خمینی است. امام در میان فقهای گرانقدر عالم تشیع، یکی از ویژگی‌هایش همین چند بعدی بودن است. از نظر وسعت نظر، امام هم فلسفه، هم عرفان، هم فقه، هم اصول، هم حدیث، هم قرآن با همه اینها در دوران خودشناسی شناختی و معرفتی خود را ساخته و پرداخته و چند رشته از اینها را سال‌ها در قم تدریس فرموده. فلسفه، عرفان، فقه، اصول و اخلاق، به همین دلیل خیلی باز و وسیع می‌نگرد... امام استاد و مربی است. در برخی از مسائل که ما‌ها با هم گفت‌وگو می‌کردیم، نظر امام که از راه می‌رسیدی می‌توانست شمول خودش را نشان دهد.

کتاب اندیشه

مبانی معرفتی اندیشه امام خمینی^{ره}

بی‌شک وجه تمایز مکتب‌های اندیشه‌ای که ظهور پیدا کرده‌اند، به برداشت آنها از هستی و انسان و به‌عبارتی به تفاوت در جهان‌بینی آنها‌باز می‌گردد. معیار کبیر انقلاب اسلامی، با دغدغه‌رهایی انسان از چنگال دنیاسازی مضرکننده که مبتنی بر ماتریالیسم و اومانیزم است، انقلابی برپا کرد که لازم است

برای درک درست پیدا کردن از اهداف آن و شناخت وضعیت کنونی و نواقص و کاستی‌های در پیمایش راه پیش روی انقلاب، پیوسته و مداوم، با‌زخوانی، تحلیل و تفسیر از مبانی معرفتی بنیانگذار این انقلاب صورت گیرد تا بتوانون غرض اصلی از تشکیل این حکومت اسلامی را در نحو بهتری درک کرد. با توجه به جامعیت امام خمینی(ره) در ایبعاد مختلف مکتب اسلام، اعم از فقه، فلسفه، عرفان و... درک برداشتی که ایشان بر اساس این ایبعاد مکتب اسلام در زمینه سیاسی واجتماعی داشتند، ضروری می‌نماید. این اثر بر آن است تا تأثیر مبانی انسان‌شناسی امام خمینی(ره) را بر اندیشه سیاسی و اجتماعی ایشان روشن نماید.

کتاب «مبانی معرفتی اندیشه امام خمینی(ره)؛ با تأکید بر انسان‌شناسی و نظر به فطرت» در ۴ فصل با عنوان «مقدمات لازم برای ورود به بحث انسان‌شناسی»، «انسان‌شناسی جایگاه آن در جهان‌بینی امام خمینی(ره)»، «نظر به فطرت امام خمینی(ره)» و «جایگاه فطرت، تربیت و عدالت در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)» به‌قلم دکتر علی جعفری هرستانی و به اهتمام مؤسسه علمی-فرهنگی سدید منتشر شده است.